

# ایران

امام حسین (ع):

به درستی که من مرگ را جز سعادت نمی بینم و زندگی با استمکاران را جز محنت نمی دانم.



سخن روز

تحف العقول، ص ۲۴۵

نگاره

تغییر اقلیم



طراح: احمد رضا سهرابی

فضای مجازی

واکنش کاربران به سالگرد یک واقعه تاریخی

این روزها سالگرد اعدام میرزا رضای کرمانی است، مردی که از مریدان سید جمال الدین اسدآبادی بود و مدتی در خدمتش بود. تحت تأثیر همین ارتباط و پادشاهی استبدادی، کمر به قتل ناصرالدین شاه بست. او موفق شد، اما جانش را نیز بر سر همین اتفاق از دست داد. میرزا رضای کرمانی در چنین روزهایی در سال ۱۲۷۵ به دار آویخته شد. یکی از صفحات فعال در زمینه تاریخ معاصر کشورمان به همین مناسبت، مطلب کوتاهی را درباره میرزا رضای کرمانی و وفاداری اش در تویتر منتشر کرده، اقدامی که با واکنش زیادی از سوی برخی کاربران روبه‌رو شده است. یکی از کاربران نوشته: «شب اعدام، میرزا تمام شب را نماز خواند و دعا کرد. صبح که شد، در میدان اعدام، یک دار زنگی برای او آماده کرده بودند.

میرزا رضا، تشنه‌اش شد و میرغضب یک خربزه او داد و با خنده گفت: بخور، این آخرین خربزه‌ای است که می خوری. میرزا رضا هم گفت: چوبه دار را ننگه دارید، من آخرین نفر نیستم.» فرد دیگری با تعجب از واکنش‌هایی که نشان از علاقه‌مندی تعداد زیادی از کاربران به تاریخ می دهد، نوشته: «اصلاً فکر نمی کردم مردم حوصله کتاب خواندن داشته باشند، اونم میرزا رضای کرمانی زن و دختر مردم روز دست یک شاه هوس باز نجات داد، بزرگترین خدمت را به مردم و کشورش کرده.» دیگری نوشته: «به عکس‌های میرزا رضا با دقت نگاه کنید، آرامش عجیبی در چهره دارد، قبل از رفتن به پای چوبه دار خربزه می خورد، حتی با میرغضب شوخی می کند و می گوید چوبه دار را ننگه دارید...! به کاری که کرده ایمان داشته است.»

عکسی که شبنم مقدمی بعد از ۲۰ سال رو کرد

شبنم مقدمی از هنرمندان و بازیگران سینما و تلویزیون در صفحه شخصی اش با انتشار عکسی از پشت صحنه فیلم «به نام پدر» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا به مرور خاطرات آن دوران پرداخته و در توضیح این قاب ماندگار نوشته: «اینجا آبادانه. اسفند ماه ۱۳۸۳. نزدیک بیست سال پیش از این. در یک غروب پیش از شروع شب کاری، نوب حیاط بیمارستانی که لوکیشن فیلمبرداری بود، نشسته بودیم به گپ زدن.» «به نام پدر»، از اولین فیلم‌هایی بود که من در آن حضور جدی داشتم. اولین قدم‌هام در سینمای حرفه‌ای، و قرار گرفتن کنار آقای پرستویی که آن موقع هم مثل الان سوپرستار بودند، البته هم صحبتی با ایشان، برایم مثل کلاس درس بود... بیاد آن روزها به خیر.

واکنش علیرضا حیدری به خروج از برنامه زنده تلویزیونی

علیرضا حیدری دارنده ۶ مدال کشتی جهان و المپیک، به همراه حسین توکلی قهرمان وزنه‌برداری المپیک سیدنی میهمان‌های ویژه برنامه اختتامیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس در شبکه ورزش بودند که صحبت‌های مجریان و نحوه ترک برنامه توسط علیرضا حیدری، با حواشی زیادی همراه شد. پس از صحبت‌های علیرضا حیدری در رابطه با مسابقه ناهید کیانی مقابل کیمیا علیزاده، حواشی مبنی بر اینکه مجریان صداوسیما در واکنش به صحبت‌های حیدری او را از ادامه حضور در برنامه منع کرده و با دیالوگ‌های خود او را به خارج از برنامه هدایت کردند، مطرح شد. این اتفاق با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران فضای مجازی روبه‌رو شد. براین اساس علیرضا حیدری، شخصاً نسبت به این موضوع واکنش نشان داد. او در این باره به یکی از خبرگزاری‌ها گفت: موضوع آطور که در فضای مجازی مطرح شد، نیست و کسی بنده را از برنامه بیرون نکرد. من خودم از مجریان و تهیه‌کننده برنامه درخواست کرده بودم که زودتر پخش زنده را ترک کنم چرا که در وقت بود و خسته بودم. اینکه کسی گفته باشد من دیگر در برنامه نیاشم، اینطور نبود و من خودم می خواستم برنامه را ترک کنم.

من و بچه‌ها در گذرگاهی به نام طنز همدیگر را پیدا کردیم

فرهاد حسن‌زاده با انتشار تصویری با عنوان «مدرسه نیشگون» در صفحه اینستاگرامش به موضوع طنزنویسی برای کودکان و نوجوانان اشاره کرده و در این باره نوشته: «با طنزنویسی برای کودکان و نوجوانان زندگی ام را شیرین می‌کنم. در اوایل دهه هفتاد که به شکل حرفه‌ای به نوشتن برای این گروه سنی روی آورده بودم، فکر می‌کردم چقدر ادبیات ما جدی و عبوس و خشک است. نویسنده‌ها و شاعرها در پی اشاعه ارزش‌های بزرگسالانه خویش و حاکمیت و دولت بودند. من بی توجه به این رویکرد اولین نوشته‌های طنزم را در کیهان بچه‌ها نوشتم. ملقمه‌ای به نام «روزنامه سفلی همشاگردی» که ترکیبی بود از نثر و نظم و شوخی‌های زبانی. من و بچه‌ها در گذرگاهی به نام طنز همدیگر را پیدا کردیم. آنها تشنه شوخ طبعی بودند و من به عطش آنها جواب می‌دادم. از قالب‌های مختلف هم استفاده کردم.

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی

سردبیر:

حسام‌الدین برومند

نقل قول

مادر حوزه انیمیشن پیشرو هستیم

اگر نگاهی به کشورهای مختلف دنیا داشته باشیم بجز ژاپن و آمریکا و البته کشوری چون فرانسه در اروپا، دیگر کشور چندانی موفق نمی‌تواند نام برد که تولید انیمیشن در آنها بسیار پر رنگ و پر رونق است. هنر نوای اینکته ما بخواهیم به انیمیشنی ملی برسیم، زود است و فکر می‌کنم این اتفاق به طور کامل در سینمای داستانی ما هم رخ نداده و فقط پارامترهایی وجود دارد که می‌توان از طریق آنها فهمید که فلان فیلم مربوط به سینمای ایران است. به نظر من مادر حوزه انیمیشن بسیار پیشرو هستیم و در قیاس به کشورهای منطقه و حتی دیگر کشورهای دنیا با توجه به وجهه و تصویف یک موجود است و همان است که وجود را از عدم متمایز می‌کند، منتج به خیر یا شر می‌شود. در تمام موجودات چنین است. در همه جانوران، حتی گیاهان. اگر اراده کنی، کار انجام می‌دهی. در آن صورت آن کار یا خیر است یا شر! کار خنثی و بی‌بوده وجود ندارد. خنثی و اینکه نه شر نه خیر، بی‌معناست. مقایسه اثر و بی‌اثری (خنثی) کارها، در مقایسه اهداف است. اهمیت و مرتبه اهداف است که اثر و بی‌اثری (خنثی) کارها معلوم می‌شود و این خود مستقلاً موضوعی مهم و در خور تحقیق و تعمق است! برگردیم به بحث. خیر و شر به کار تعالی می‌گیرد و منشأ کار، اراده است. هیچ جاننداری از اراده، بی‌نیاز نیست. حتی موجود مجبور هم، با اراده کار انجام می‌دهد. پس اراده، منشأ کار است و اینکه اراده، آزاد است یا نه، خود موضوعی دیگر برای تأمل و تحقیق است. بحث این مقال، خیر و شر است که تمام اقطاب عالم و هستی را دربر گرفته و منشأ آن اراده است!



یادداشت

چرا موسیقی؟! (۶)

همه چیز به خیر و شر بازمی‌گردد! اصلاً اراده، منتج به خیر و شر است. هیچ موجود مریدی (با اراده) از این امر، مستثنی نیست. اراده، که بالاترین و عالی‌ترین وجهه توصیف یک موجود است و همان است که وجود را از عدم متمایز می‌کند، منتج به خیر یا شر می‌شود. در تمام موجودات چنین است. در همه جانوران، حتی گیاهان. اگر اراده کنی، کار انجام می‌دهی. در آن صورت آن کار یا خیر است یا شر! کار خنثی و بی‌بوده وجود ندارد. خنثی و اینکه نه شر نه خیر، بی‌معناست. مقایسه اثر و بی‌اثری (خنثی) کارها، در مقایسه اهداف است. اهمیت و مرتبه اهداف است که اثر و بی‌اثری (خنثی) کارها معلوم می‌شود و این خود مستقلاً موضوعی مهم و در خور تحقیق و تعمق است! برگردیم به بحث. خیر و شر به کار تعالی می‌گیرد و منشأ کار، اراده است. هیچ جاننداری از اراده، بی‌نیاز نیست. حتی موجود مجبور هم، با اراده کار انجام می‌دهد. پس اراده، منشأ کار است و اینکه اراده، آزاد است یا نه، خود موضوعی دیگر برای تأمل و تحقیق است. بحث این مقال، خیر و شر است که تمام اقطاب عالم و هستی را دربر گرفته و منشأ آن اراده است!

اراده یعنی چه؟ یعنی خواستن. البته نه هرزه‌خواهی. یعنی نه خوشایندی و خوش آمدن بلکه خواستن که در آن دو اصل نهفته است. ۱- انتخاب ۲- عزم (تضمین). اگر چیزی را بخواهیم که حاوی آن دو اصل باشد، یعنی آن را اراده کرده‌ایم. نسبت به آن، آماده اقدام و کار شده‌ایم. والا خواستن، به هر امر خوشایند و مطبوعی هم تعلق می‌گیرد. ما بسیار امور و موارد را می‌خواهیم ولی نسبت به آنها اراده نمی‌کنیم یا نداریم. می‌خواهیم، یعنی حالت مطبوعیت و خوشایندی نسبت به آنها در ما هست، ولی نه در این حد که نسبت به آنها اراده‌ای کنیم. اگر اراده کنیم، به سمتشان در کار (اقدام) می‌شویم. حال اینکه آیا کار و اقدام ما به نتیجه (هدف) می‌رسد یا نه، خود موضوعی دیگر است که بسیار مهم و مستقل از این بحث است. پس ۱- اراده، منشأ کار است و ۲- کار، منجر و مختم به خیر و شر است. پس در این عالم، به تعداد همه موجودات اراده هست و به تعداد آنها هم هست و به تعداد همه کارها، خیر و شر هست. حال در این نکته، چند تأمل وجود دارد: ۱- اینکه آیا همه موجودات اراده، یعنی خواستنی که در آن انتخاب و عزم است را اعمال می‌کنند یا نه، فقط اسیر خوشایندی و هوس آن هستند؟ ۲- و اینکه کارها (مقصود اراده) چقدر در توافق و تضاد با هم قرار دارند و جهان عرصه دوستی و صمیمیت یا کارزار اعدا و ایماء است و بقاء در تنازع امکان‌پذیر است، خود موضوعی دیگر و مهم است. پس اگر اراده کنی (از روی انتخاب و عزم)، کار انجام می‌دهی. همین‌که اراده منجر به کار شد، دآوری آغاز می‌شود که آیا آن کار خوب است یا بد؟ پس کار اقدام، ماحصل (اراده) همیشه یا خوب است یا بد. از این دو قطب خارج نیست. بگو بسیار کارها هست که نه خوب است، نه بد. یعنی خنثی، کارخنثی، همان‌طور که گفته شد، به معنای کار بی‌اهمیت و بی‌تأثیر و اگر کاری بی‌اهمیت و بی‌تأثیر رخ می‌دهد، دوباره موضوع دآوری قرار می‌گیرد



هدف، دلیل

زندگی است.

بدون آن،

زندگی دلیل

ندارد. بسیاری

هستند که

در زندگی

هدفی ندارند

ولی نه اینکه

نداشته‌اند.

بسیاری

بی‌هدفان

سرخوردگان از

هدفند

تلفن:

۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

صندوق پستی: ۵۳۸۸-۵۳۷۵-۱۵۸۷۵۰ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: چاپخانه‌های همشهری

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



آن کس که تو را شناخت جان را چه کند؟  
 فرزند و عیال و خاتمان را چه کند؟  
 دیوانه کنی هر دو جهانش بدهی  
 دیوانه تو هر دو جهان را چه کند؟

مولانا

هنر کارآفرینی



صنف انصاف

انصاف، در زمانه مدرن، به روشی عجیب و ناجور نادیده گرفته شده است. این، خطای روزگار ماست؛ خطایی بزرگ. برای همین است که قانون، دائماً علیه خود پیروز می‌شود! هر که در این میان، بلد قانون باشد، بر نایب و ناساگه از بیخ و خم تبصره‌ها و بندها و لوائح، همواره غلبه دارد. این گونه است که هر چه زمین به دور خود می‌چرخد و به دور خورشید می‌گردد و فصل‌ها را جابه‌جا می‌کند، آب از آب تکان نمی‌خورد. تغییر خاصی در سرنوشت بشر ایجاد نمی‌شود. همچنان، آدمیان برای تأمین دادن به جنگ‌ها، می‌جنگند. همچنان برای دستیابی به صلح، صلح را رد می‌کنند. اینجاست که گمشده بزرگ سازگار بشر؛ انصاف، غریب‌تر و محزون‌تر، در قلب‌های پرمشغله، می‌ماند و راهی به بیرون نمی‌یابد.

سید اصغر نوربخش

روزنامه نگار

آغاز عدالت، بروز انصاف در عمل است. هنر کارآفرینی، یکی از آنجاهایی است که می‌تواند انصاف را به عمل تبدیل کند. اگرچه، در بسیاری مواقع، خود نیز قربانگاه انصاف می‌شود و عدالت را با بَک عناوین و واژه‌های جدید و من درآوردی به سخره می‌گیرد. کارآفرین‌ها دو وسیله بسیار کارآمد و حیاتی در دست دارند؛ خلایق و محتوا. با خلایق می‌شود نیازها را برطرف کرد، موانع را از پیش رو برداشت و راه‌های جدیدی پیش روی همگان کشود. با محتوا، آگاهی دائماً جان می‌گیرد و پرواز می‌شود. دوردست‌ها، پیش چشم می‌آید و اشتباهات به کمترین درجه می‌رسد.



یاد حکایتی افتاد که در شاهکار همه دوران ادبیات فارسی یعنی «روضه‌العقول» یا «میزبان نامه بزرگ»، آمده است. روزی، چوپانی گله‌اش را به بیشه‌زاری می‌برد برای چرا. گرگی در آن بیشه‌زار می‌زیست. بوی گوسفندان به مشامش رسید. کمین کرد تا شاید بتواند طعمی لذیذ به دستانه آورد. اما سگان پاسبان، آماده و قیراق بودند. هنگام غروب، چوپان گوسفندان را از بیشه‌زار به سمت منزلگاه عزیمت داد. این میان، دو بزغاله از سر بازیگوشی در میان بوته‌ها، جلا ماندند. گرگ سر رسید. بزغاله‌ها به هم گفتند که ما را یاری جنگیدن و دشمنی با گرگ نیست. از سردوستی و مصالحه، شاید بتوانیم راه نجات بیابیم. به گرگ تعظیم کردند و گفتند که چوپان، آنان را فرستاده تا شبانگام، لحظه‌های خوشی را برای او فراهم سازند و با مطربی، اسباب خوشی را برایم فراهم کنند. گرگ که برایش چنین موضوعی، غیرمنتظره بود، گرسنگی اش را فراموش کرد و به هنرآفرینی بزغاله و آوازه‌ای دلنشینی که سر می‌دادند، گوش سپرد و بر سر شوق آمد. چوپان، صدای آواز بزغاله‌ها را دور شنید و به کمک سگ‌کش، بزغاله‌ها را پیدا کرد و با چوب دستی‌اش، پای گرگ را شکست. گرگ بیچاره، لنگان لنگان و در حال فرار، به خود نهب می‌زد که پدران و مادران من کی مغرب داشته‌اند که من اینک داشته باشم؟! می‌شود گفت که امروز آنچه که ما را از بلایا و مصیبت‌ها می‌تواند نجات دهد، همانا خلایق و محتواس است. نقطه وصل و تاقی این دو نیز انصاف است. انصاف می‌تواند کارآفرینان واقعی را به موفقیت برساند. در این شرایط است که کارآفرینی، از محدوده کسب و کار و درآمدزایی به گستره تغییرات رهایی بخش و انسان‌ساز، هجرت خواهد کرد و رخ‌های بیپوده‌ای که در غیبت انصاف به جان بشر افتاده است التیام خواهد یافت.

هنر

کارآفرینی،

یکی از

آنجاهایی

است که

می‌تواند

انصاف را به

عمل تبدیل

کند. اگرچه،

در بسیاری

مواقع، خود،

نیز قربانگاه

انصاف

می‌شود و

عدالت را با

بَک عناوین

و واژه‌های

جدید و من

درآوردی

به سخره

می‌گیرد

عکس نوشت



موزه اسباب بازی در ۲۶ فروردین سال ۱۴۰۳ واقع در خیابان نوفل لوشاتو، کوچه لولاکر موزه شامل ۱۵۰۰ مدل اسباب بازی در بخش‌های مختلف است.

عکس: فواد اشتری/مهتر